

تحلیل فضایی معماری معبد آناهیتا کنگاور

علی اکبر حیدری

^۱ استادیار دانشگاه هنر

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۵

چکیده

معبد آناهیتا در کنگاور بزرگ‌ترین تک‌بنای سنگی ایران است. سنگ بنای نخستین این معبد در عصر هخامنشیان نهاده شد. در دوران‌های بعد ساخت آن ادامه یافت و در دوره ساسانیان تکمیل گردید و به نحو احسن مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بر اساس شواهد تاریخی، این معبد آتشکده‌ای برای ارج نهادن به مقام الهه آب (آناهیتا) بود. این بنا پس از ورود اسلام دست‌خوش تغییرات بسیاری شد که پاره‌ای از آن‌ها طبیعی یا انسانی بوده‌اند. آنچه از بازمانده‌های این بنا پس از سوانح طبیعی و یا تخریب‌های انسانی سهوی و یا عمدی، امروزه در اختیار است، به طور دقیق نمی‌تواند فضای معماری و کالبدی واقعی آن را آشکار نماید. پژوهشگران حتی در تاریخ ساخت و نوع کاربری آن نیز اختلاف نظر دارند. پژوهش‌هایی که تا به امروز در مورد این بنای عظیم انجام گردیده، هیچ‌یک به طور خاص به معماری معبد آناهیتا با تأکید بر چگونگی فضای آن نپرداخته است. قریب به اتفاق این پژوهش‌ها به تحلیل یافته‌های باستان‌شناسی بسنده و اکتفا کرده‌اند. با تحقیقی که توسط نگارندگان انجام گرفت، اطلاعات جدید و ارزش‌مندی درباره چگونگی معماری معبد آناهیتا به دست آمد. بعضی از کاوشگران سعی در ارائه تصاویر و نقشه‌های خیالی و نه چندان دقیق از طرح معماری - سازه‌ای بنای اولیه معبد داشته‌اند که برخی از آن‌ها در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله به تحلیل فضای معماری معبد آناهیتا کنگاور پرداخته است. توصیف مورخان و سیاحان شرقی و غربی از بنای معبد آناهیتا، ارائه نظر خبرگان و صاحب‌نظران معمار درباره سبک معماری آن، ویژگی‌های معماری ایران در معبد آناهیتا، یافته‌های مرتبط با معماری بنا که در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، مجموعه اطلاعاتی است که به آن‌ها پرداخته شده است. در پایان، بر اساس ویژگی‌های معماری ایرانی، تحلیلی بر کلیه اطلاعات معمارانه بنای معبد آناهیتا با تأکید بر تحلیل فضای معماری بنا انجام گرفته است، که تا حدی بر هویت معماری این بنا دلالت دارد.

واژگان کلیدی: معبد آناهیتا، کنگاور، معماری ایرانی، معماری پارتی، معماری پیش از اسلام.

آرتمیس یونانی دانسته‌اند و به همین دلیل این بنا تاریخی به معبد آناهیتا تا قرن سوم هجری هیچ متن تاریخی درباره این معبد در دسترس نیست. از قرن سوم هجری تاکنون سیاحان و تاریخ‌نویسان زیادی در مسیر بازدیدهای خود از شهرهای ایران، با مشاهده بنا تاریخی کنگاور به توصیف آن پرداخته‌اند. در طول تاریخ، این بنا با نام‌های مختلفی چون قصرالصوص (قصر دزدان)، کاخ خسرو پرویز و قصر شیرین نامیده شده است. از مورخان و جغرافیایان می‌توان به ترتیب تاریخی به این افراد اشاره نمود: ابن خردادبه، ابن فقیه، ابن رسته، اصطخری، قدامه بن جعفر کاتب بغدادی، ابوالقاسم محمد بن حوقل النصبی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر مقدسی، ابودلف، محمد بن احمد طوسی، ابی‌عبدالله یاقوت، زکریای بن محمد بن محمود قزوینی، عمادالدین ابوالفداء، صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق البغدادی، حمدالله مستوفی، ناصرالدین شاه قاجار.

با حضور مستشرقان و اروپاییان علاقه‌مند به تاریخ کشورهای شرقی در ایران، آثار مفصل‌تری از آنان درباره معبد آناهیتا منتشر گردیده است. پیترو دل‌واله "در سال ۱۶۱۷م، در سال ۱۸۲۱ میلادی "کریپوتر"، در ۱۸۳۹ "تکسیه"، در ۱۸۴۱ "راولینسون"، در ۱۸۴۰-۱۸۴۱ "اوژن فلاندن و پاسکال کست" و در ۱۸۸۴ "دیولافوا" در سفر خود به ایران، کنگاور، بیستون، طاق بستان و طاق گرا را مورد بازدید و بررسی قرار داده و گزارش‌ها و طرح‌ها و نقاشی‌هایی را برداشت و به چاپ رسانیده‌اند (کامبخش فرد، ۱۳۶۸).

مورخان که درباره معماری و کالبد فیزیکی این بنا اظهار نظر کرده‌اند، عبارتند از: ابن فقیه در البلدان به سال ۲۹۰ هجری قمری، عجایب‌المخلوقات محمد طوسی سال ۵۵۶ هجری در درباره، یاقوت در قرن هفتم هجری در احسن‌التقسیم فی معرفه الاقالیم مقدسی، ابودلف در سفرنامه خود، زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در آثار البلاد و اختیارالعباد نوشته، صاحب عجایب الاخبار، نزه القلوب حمدالله مستوفی. اکثر این افراد بر عظمت و ابهت این بنا تأکید دارند و از چگونگی ساخت آن ابراز شگفتی نموده‌اند.

هم‌چنین از مستشرقانی که درباره این بنا توضیحاتی نگاشته‌اند، می‌توان به کریپوتر در سال ۱۸۱۸ م. و مینورسکی در سال ۱۹۱۶ م. میلادی اشاره نمود.

۲. معماری بنا بر اساس یافته‌ها

کاوش‌های دهه‌های اخیر اطلاعات خوبی از حدود و ابعاد بنا در اختیار صاحب‌نظران قرار داده است و مشخصات آن به لحاظ ارتفاع و حجم کلی ساختمان، به حد نسبتاً دقیقی مشخص گردیده است. اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کنگاور در گزارشی که در سال ۱۳۸۳ تهیه نمود، مشخصات بنا را چنین بیان می‌کند: «محوطه تاریخی معروف به معبد آناهیتا در مرکز شهر کنگاور و بر سر راه امروزی همدان به کرمانشاه واقع شده

معبد آناهیتا در کنگاور از بناهای مربوط به دوره‌های تاریخی پیش از اسلام در ایران است که تاکنون پژوهش‌های مختلف باستان‌شناسی درباره آن انجام گرفته است. محوطه تاریخی کنگاور در ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ هـ ش (۱۶ سپتامبر ۱۹۳۱ م) با عنوان «محل کنکبار قدیم خرابه‌های عهد اشکانی» به شماره ۳۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. تاریخچه، کاربری، معماری و سازه بنا معبد آناهیتا کنگاور تاکنون از موضوع‌های بحث‌برانگیز این بنا تاریخی بوده که پژوهشگران و صاحب‌نظران بسیاری درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. این معبد طی چندین دوره دست‌خوش آسیب‌های جدی قرار گرفته به گونه‌ای که آتش‌سوزی و زلزله آن را به شدت تخریب کرده است. هم‌چنین، استفاده نادرست اهالی از کالبد و مصالح آن در قرون اخیر موجب دگرگونی‌های زیادی در آن شده است. از آن‌جا که طرح کاوش‌ها در این بنا هنوز به پایان نرسیده است، لذا نظر قطعی درباره ساختار معماری آن به وضوح بیان نشده است. هرچند باستان‌شناسان در تلاش‌های گوناگون به یافته‌های مهمی دست یافته‌اند، اما تا زمانی که کاوش‌های باستان‌شناسی به طور کامل انجام نپذیرد، نمی‌توان درباره معماری، سازه و کاربرد بنا اظهار نظر قطعی نمود.

در متون مختلف تاریخی، سفرنامه‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های علمی اظهارات فراوانی درباره ساختمان این معبد بیان گردیده است که هر یک از دیدگاه خود ارزشمند هستند. برخی به توصیف کلی معبد آناهیتا پرداخته‌اند که عموماً مورخان و گردشگرانی بوده‌اند که از این مکان بازدید کرده‌اند. برخی از مولفان اروپایی در بازدید خود سعی کرده‌اند تا به کشف سبک معماری و شیوه ساخت آن پی ببرند و یا کالبد آن را با برخی از بناهای موجود دیگر قیاس کنند.

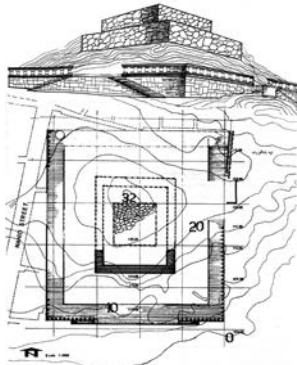
از آن‌جا که اکتشافات چهار دهه اخیر تاکنون در حیطة باستان‌شناسی و کندوکاوهای تاریخی بوده، هنوز کسی به طور ریشه‌ای به ویژگی‌های معماری و سازه‌ای این بنا نپرداخته است. هدف این مقاله آن است تا با تکیه بر پژوهش‌ها و مشاهده‌های میدانی، و نیز مطالعات متون مختلف تاریخی، علمی و کاوش‌های باستان‌شناسی، به کشف ویژگی‌های معماری این معبد و در نهایت به تحلیل معماری بنا را می‌پردازد

۱. معبد آناهیتا به روایت مستندات تاریخی

قدمت بنای تاریخی مشهور به معبد آناهیتا بنا به قول تاریخ‌نویسان به سده‌های پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. در کتاب ایستگاه‌های پارتی تألیف ایزدور خاراکسی که در سال ۳۷م به نگارش درآمده، درباره کنگاور می‌نویسد: «از همین‌جا از «باگستانا» [بیسون] تا «مادبالا» ۳۸ سخونی می‌باشد و در فاصله اولین ۳ سخونی شهر «کونکوبار» [کنگاور] واقع شده است. و در آن‌جا معبد «آرتمیس» وجود دارد که فاصله‌اش ۳ سخونی است» (خاراکسی، ۲۳)

چون برای اولین بار خاراکسی این معبد را متعلق به آرتمیس معرفی کرد، محققان آن را معبد آناهیتا الهه ایرانی معادل

صفه و محوطه چهارگوشی است به ابعاد ۲۱۰*۲۰۸ متر که در جبهه جنوبی آن دیواری قرار دارد به قطر ۱۸/۵ متر، آراسته به ۲۴ ستون با نسبتی مساوی در دو طرف پلکانی هر یک به طول ۳۰ متر که یک مهتابی به درازای ۹۴ متر را در میان گرفته‌اند. مجموعه پلکان‌ها و مهتابی به عرض ۴/۱۵ متر از دیوار قطور ۱۸/۵ متری پیش‌آمدگی دارند. دیوار غربی و شرقی نیز به قطر ۱۸/۵ متر و به ترتیبی متشکل از یک ردیف ستون ۴۸ و ۲۴ تایی است، که به استثنای پنج ستون استوار و پابرجا در بخش شمالی دیوار غربی، بقیه ساقط شده‌اند» (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰).



تصویر شماره ۲: طرح معماری معبد آناهیتا ترسیم شده توسط کامبخش‌فرد (مأخذ: کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴)

کامبخش‌فرد درباره ارتفاع معبد و فواصل عمودی صفه‌های آن می‌نویسد: «در معبد آناهیتا بین پست‌ترین نقطه، یعنی سطح اراضی اطراف تا بالای صفه جنوبی ۷ متر و از آن‌جا تا تراس مرکزی ۱۱ متر و از سطح این سکو تا قلعه و خط‌الرأس صخره مخروطی شکل نیز ۱۴ متر بلندی وجود دارد» (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸).



تصویر شماره ۳: وضعیت معماری به دست آمده از معبد آناهیتا پس از کاوش‌ها، ترسیم در دفتر معماری کنگاور توسط محمد مهریار (مأخذ: کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴)



تصویر شماره ۴: معبد آناهیتا: الف) پله اصلی جنوب غربی (ب) پله فرعی و خصوصی شمال شرقی

است. این بنا بر روی تپه طبیعی با حداکثر ارتفاع ۳۲ متر نسبت به زمین‌های پایین دست ساخته شده است. در گوشه شمال غربی این بنا امام‌زاده ابراهیم و مسجدی برپاست. نقشه بنای کنگاور به شکل چهارضلعی و به ابعاد ۲۰۹*۲۲۴ متر است که هر ضلع آن (به استثنای ضلع شمالی) به شکل دیواری به ضخامت ۱۸ متر بوده که بر روی آن ردیفی از ستون‌های قطور قرار گرفته است. این دیوارها با لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند و نمای بیرونی آن‌ها به وسیله قطعات سنگی تراش خورده، پوشش یافته است. در ضلع جنوبی بنا، پلکان دوطرفه‌ای به درازای ۱۵۴ متر ایجاد شده است که هر دو تا پنج پله را در یک بلوک سنگی کنده‌اند. تعداد سنگ‌های پله در پلکان شرقی ۲۶ پله و در پلکان غربی ۲۱ پله می‌باشد. در مرکز بنا، صفه‌ای با جهت شرقی-غربی ساخته شده که ۹۴ متر درازا و ۹/۳۰ متر پهنا و بین ۳ تا ۴ متر ارتفاع دارد. این صفه از لاشه سنگ‌های بزرگ که حداقل یکی از سطوح آن صاف بوده ساخته شده است و نمای آن با اندود گچ پوشیده شده که جز در برخی از سطوح پایین دیوار، نشانی از آن باقی نیست. بر روی دیوارهای این بنا منهای ضلع شمالی و فاصله بین دو رشته پلکان جنوبی، یک ردیف ستون قرار داشته است. این ستون‌ها کوتاه و قطورند. فاصله بین ستون‌ها از محور تا محور ۴۷۵ سانتی‌متر است. بلندی هر ستون شامل پایه، ساقه و سرستون ۳۵۴ سانتی‌متر و قطر هر یک از ساقه ستون‌ها که استوانه‌ای شکل می‌باشد، ۱۴۴ سانتی‌متر است. گیلویی زیر پایه ستون به بلندی ۶۰ سانتی‌متر است. اندازه یک واحد ستون در کنگاور متشکل از پایه + میان ستون + سرستون برابر ۳۵۴ سانتی‌متر است و این اندازه، برابر با فاصله بین دو ستون و دو برابر قطر پایه ستون است. در این بنا ستون‌ها در یک ردیف استقرار یافته‌اند. این ستون‌ها ساده، بدون تزئین و کوتاه و قطورند و به مثابه نرده و حفاظ تزئینی لبه ایوان به‌کار رفته‌اند» (برنامه مدیریت آینده محوطه تاریخی معبد آناهیتا، ۱۳۸۳).



تصویر شماره ۱: سایت پلان فعلی معبد آناهیتا پس از کاوش‌های انجام گرفته (مأخذ: اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کنگاور)

کامبخش‌فرد پس از کاوش‌های انجام گرفته، بنای معبد آناهیتا را چنین تشریح می‌نماید: «طرح کالبدی حقیقی معماری که به اعتبار کاوش‌های باستان‌شناسی، سر از حجاب خاک بیرون آورده،

کاوش‌ها بررسی‌هایی را بر روی این جبهه آغاز نموده که هنوز نتایج قطعی آن رسماً منتشر نگردیده است. وی می‌نویسد: «تاکنون راستای جبهه جنوبی و هم‌چنین راستای جبهه‌های شرقی و غربی و بخشی از گوشه شمال غربی و شمال شرقی و نیز بخشی از حوزه مرکزی این بنا آشکار شده و نیز اطلاعاتی از ناهمواری‌های بستر سنگی آن به دست آمده است. گوشه شمال غربی تنها نمونه برج مانده از ترکیب ساخت و ساز و نمای عمومی آن است که آشنایی با روند برپایی ستون‌ها بر فراز سه وجه غربی، شرقی و جنوبی را عینیت بخشیده است. در جبهه شمالی به علت عدم دسترسی به اطلاعات مکتوم در آن و ناهمگونی ترکیب معماری آن با راستای سه وجه دیگر، نیازمند تأمل بیش‌تری است» (کبیری، ۱۳۸۱).



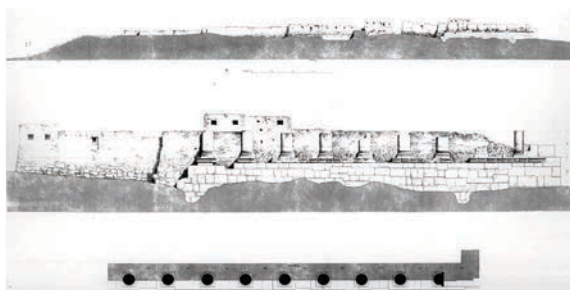
تصویر شماره ۸: نمایی از آثار دوره اسلامی در جبهه شمالی معبد آناهیتا، بقعه امامزاده ابراهیم در گوشه شمال غربی

۳. سبک معماری معبد

اولین کسانی که تلاش کردند تا سبک معماری و طرح کالبدی بنای کنگاور را کشف کنند، «اوژن فلاندن و پاسکال کست» دو مستشرق اروپایی بودند که در سفر به کنگاور طرح‌های بسیاری از این بنا ترسیم نموده‌اند. بیان آنان از معبد آناهیتا بسیار توصیفی و دقیق است. فلاندن و کست در متن سفرنامه خود راجع به کنگاور اشاره می‌کنند که بنای آناهیتا به سبک یونانی است (کامبخش فرد، ۱۳۶۸).



تصویر شماره ۹: تصویر گوشه شمال غربی معبد آناهیتا که در ۱۸۴۰ میلادی توسط فلاندن و کست ترسیم شده است



تصویر شماره ۱۰: نقشه‌های بازسازی شده از معبد آناهیتا بر اساس ترسیم فلاندن و کست

در کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده سه ردیف ستون در اضلاع شرقی، غربی و جنوبی معبد آناهیتا به دست آمده‌اند که عموماً شکل، ابعاد و فواصل آن‌ها از یکدیگر ثابت و همانند است، لکن از آن‌جا که هنوز جبهه شمالی معبد مورد حفاری قرار نگرفته درباره وجود ستون در این ضلع جای تردید است



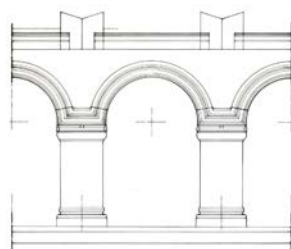
تصویر شماره ۵: وضعیت قرارگیری ستون‌های باقیمانده (و مرمت شده) در گوشه شمال غربی

در کاوش‌های باستان‌شناسی چندین قطعه تراشیده مربوط به بالای سرستون‌های معبد یافت شد که نشان‌دهنده ادامه داشتن ستون‌ها از بالا به یک سقف یا طاق نهایی است. اما احتمال دیگری نیز وجود دارد که این بخش‌ها همانند سقف‌های تخت جمشید چوبی بودند و بر اثر آتش‌سوزی از بین رفته‌اند، زیرا هیچ اثری از آن‌ها موجود نیست



تصویر شماره ۶: سنگ حجاری شده روی سرستون‌ها (گیلویی) که نشان از ادامه داشتن ستون‌ها تا سقف یا طاق بوده است

پیشنهادی که برای شکل نهایی ستون‌ها توسط مرحوم مسعود آذرنوش ارائه شده آن است که بر روی گیلویی ستون‌ها طاقی هم‌چون طاق‌گرا وجود داشته است؛ هرچند کامبخش فرد با این نظریه مخالف است.



تصویر شماره ۷: طرح طاق تکمیل شده بر روی ستون‌های معبد آناهیتا بر اساس نظر آذرنوش (مأخذ: سایت سازمان میراث فرهنگی)

درباره معماری معبد آناهیتا هنوز رازهای گشوده نشده‌ای وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها وضعیت جبهه شمالی بناست. این جبهه هنوز حفاری نشده است و از آن‌جا که به عنوان یکی از نماهای فرعی بنا محسوب می‌شود، شاید هیچ ستونی بر روی دیواره آن وجود نداشته باشد. احمد کبیری در مجموعه‌ای از

و سرستون آن‌ها از نوع سرستون دوریک می‌باشد که روی آن یک «بالش کرنتی» قرار داده‌اند» (واندنبیگ، ۱۳۴۵). هم‌چنین، کلمان هوار درباره‌ی یافته‌های معبد آناهیتا می‌نویسد: «در کنگاور بازمانده‌های پرستشگاهی یافت شده است که در سبک آرایش شباهت زیادی با معابد یونانیان دارد. این بنا از یک تالار مرکزی و حیاط پهناوری ساخته شده و بدلی از سبک معماری یونانی است» (هوار، ۱۳۶۳).

مالکوم کالج درباره‌ی سبک معماری معبد آورده است: «در اینجا یک حیاط بزرگ چهارگوش با دیوار بلند که در کنار آن ستون‌ها قرار داشتند و در وسط معبدی به سبک یونانی با ردیف ستون و در مدخل آن ستون برپا داشته بودند وجود دارد. ... شکل معماری آن مشتمل است بر سرستون‌های دوریک که بر فراز آن قسمت هموار سرستون کرنتی بر پایه‌های ایونی قرار دارد. شکل‌های کهن هنر یونانی چنان دگرگون شده‌اند که به دشواری می‌توان با مقایسه تاریخ آن را تعیین کرد. ... عجیب آن که معماری کنگاور گونه‌ای ظرافت دربردارد» (کالج، ۱۳۸۵: ۱۱۰ و ۱۱۱)، البته کالج در ادامه اعتراف می‌کند که «در سده‌ی اول میلادی می‌بینیم که معماری پارتی مجموعه‌ای از این شکل‌های کهن یونانی را اخذ کرده و آن را دگرگون ساخته و بدان غنا بخشیده و شگفت ساخته است و شکل‌های کهن‌تر و جدیدتر شرقی را هم چاشنی آن‌ها کرده است» (پیشین: ۱۱۱).

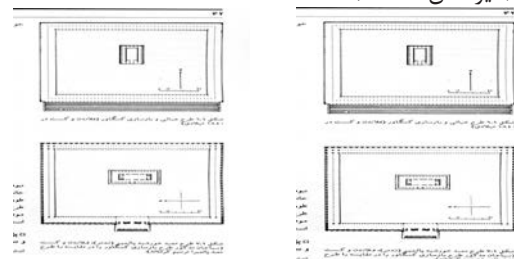
گیرشمن که معماری معبد آناهیتا را ترکیبی از صفه‌های هخامنشی و ستون‌های یونانی می‌داند، این‌گونه می‌نگارد: «در ساختمان اصلی، استعمال قطعات سنگی سطحه تخت جمشید تقلید شده اما ستون‌های آن‌ها دارای سرستون دوریک است که بر فراز آن‌ها تخته‌های کرنتی قرار گرفته است» (گیرشمن، ۱۳۷۲). ایدت پرادا درباره‌ی معبد آناهیتا این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «احتمال می‌رود بناهای سلوکی سنت (معماری) یونانی را در به کار بردن سنگ خوب، مصالح به خوبی تراشیده شده، و ستون‌های مرمر یا سنگ آهکی دنبال کرده باشند» (پرادا، ۱۳۵۷). ژاک دومورگان در جلد دوم کتاب مطالعات جغرافیایی غرب ایران درباره‌ی کنگاور می‌نویسد: «کنگاور بر خرابه‌های بنایی عظیم که به سبک معماری یونانی ساخته شده قرار دارد. ستون‌های این بنا از سنگ مرمر خاکستری درست شده که بر روی دیوارهایی که از تخته سنگ‌های مرمر تراشیده بالا آورده‌اند، قرار گرفته‌اند» (دومورگان، ۱۳۳۱).

اما محققان و باستان‌شناسان ایرانی در برابر این نظریه که معبد آناهیتا نمونه‌ی تقلیدی معابد یونانی است مقاومت کرده‌اند و با توجه به یافته‌های گوناگون در این مطلب شک کرده و به بیان اختلافات میان سبک‌های یونانی و یافته‌های کنونی معبد آناهیتا پرداخته‌اند. به طور مثال دکتر علی‌اکبر سرفراز عضو گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران می‌نویسد: «آقای فلاندن هم در حدود ۱۵۰ سال پیش این مکان را با معبد خورشید در پالمیرا مقایسه کرده است. آیا واقعاً چنین است؟! با توجه به این که این اختلاف‌ها در هیچ

فلاندن و کست در طرح پیشنهادی خود برای معبد اولیه‌ی آناهیتا در کنگاور، معبد پالمیرای سوریه را معیار قرار دادند به گونه‌ای که سکویی دارای سه ردیف ستون بر بلندی ساخته شده و در وسط آن معبدی سرپوشیده به شکل معابد یونانی قرار گرفته است. در واقع این طرح برداشتی است از سبک‌های دوریک و کورنتین یونانی.

پروفسور ولادیمیر گریگوریچ لوکونین در مقاله‌ی معبد آناهیتا که به زبان روسی نگاشته آورده است: «طرح بازسازی معبد به شرح زیرین توسط فلاندن و کست پیشنهاد شده بود: سکویی به ابعاد ۲۰۰ * ۲۳۰ متر از بلوک‌های سنگی انباشته گردیده و از چهار طرف تزیین و در ستون‌های سه ردیفه طوری ساخته شده که تشکیل زاویه قائمه داده‌اند. روی هم رفته ۱۴۴ ستون در یک ردیف و ۴۳۲ ستون در سه ردیف، در مرکز کاخ، عبادتگاه به شکل مستطیل قرار گرفته که در بین ستون‌ها محصور شده است (۱۱ ستون به سمت طول مستطیل و ۶ ستون به سمت عرض مستطیل). در ورودی با دو ستون محافظت می‌شود. پیشنهاد فلاندن و کست در بازسازی معبد بیش از همه معابد یونان قدیم، پالمیرا را به خاطر می‌آورد» (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴: ۱۵).

محققان اروپایی معتقدند که در دوره‌ی هخامنشی و پارتی به دلیل تبادل فرهنگی که میان ایرانیان و یونانیان وجود داشته بناهایی به سبک معماری یونانی در ایران احداث گردیده بود، بالاخص در شهرهایی چون کنگاور که به گونه‌ای نقاط مرزی غرب ایران محسوب می‌شدند. طرح بنای معبد آناهیتا که توسط فلاندن و کست ارائه شد در کتاب هنر ایران در دوره‌ی پارتی و ساسانی نوشته گیرشمن رییس هیأت فرانسوی کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران با عنوان طرح ساختمان پرستشگاه کنگاور ترسیم گردیده است (گیرشمن، ۱۳۵۰).



تصویر شماره ۱۱: مقایسه میان پلان معبد پالمیرا (الف)، و طرح فرضی معبد آناهیتا (ب) که توسط فلاندن و کست ارائه شد (مأخذ: کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴: ۲۲)

در تأیید فرض فلاندن و کست، سایر محققان اروپایی نیز ارتباط سبک معماری معبد آناهیتا را به شیوه‌های یونانی به نگارش درآورده‌اند. مثلاً هرتسفلد در بررسی ویژگی‌های معبد آناهیتا می‌نویسد: «تجزیه و تحلیل معماری به صورتی عجیب از اشکال سرستون‌های سبک عصر «دوریک» با بهره‌های سبک «کورنتی» جزئیات آن معبد را نشان می‌دهد» (هرتسفلد، ۱۳۵۴). واندنبیگ نیز درباره‌ی معبد بر آن است که: «ساقه‌ی ستون‌های آن صاف بوده

بنای مسلم پارتی در ایران شناخته نشده‌اند (در مورد این بنا جای بحث بسیار است) «(سرفراز، ۱۳۷۳).

اردشیر خدادادیان معتقد است بنای اولیه معبد که به تحقیق برای الهه آناهیتا احداث شده متعلق به سده چهارم پیش از میلاد و زمان هخامنشیان است. در نظر وی «معبد آناهیتا احتمالاً مربوط به عصر اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۴-۳۵۸ ق.م) که به نمون یعنی باحافظه و هوشیار معروف و پسر داریوش دوم (۴۲۴-۴۰۴ ق.م) است می‌باشد، به این ترتیب کارهای سنگی این بنا به سبک و شیوه معماری هخامنشی است و ستون‌ها الهام گرفته از سبک‌های معماری یونانی است» (خدادادیان، ۱۳۷۹: ۳۱۱).

سیف‌اله کامبخش‌فرد در این باره می‌نویسد: «تحقیقات باستان‌شناسی ۱۷۰ ساله اخیر در بین شرق‌شناسان غربی و وجود نارسایی‌هایی باعث گردیده تا همواره معبد پالمیرا منشأ مطالعات درباره معبد ناهید کنگاور قرار گیرد. شرق‌شناسان تصور می‌کردند که معبد کنگاور و پالمیرا با یکدیگر شباهت تام و تمام داشته و ناگزیر فکر می‌نمودند که معبدی مربوط به نیایش آیین‌های یونانی و سلوکی است و تمام محوطه معبد پر از تندیس بوده است؟ ... همواره عناصر و آداب و رسوم یونانی- رومی مد نظر شرق‌شناسان غربی بوده است و نه شرق واقعی؟! شاید از نظر طرح یک معبد چهارگوش و مربع شکل و یک مکان آتش در مرکز آن بتوان معبد ناهید کنگاور را در زمره معبد پالمیرا قرار داد، ولی مغایرت‌های فراوانی بین معماری و هنر هر دو محل و نهایتاً آیین‌ها و رسوم مذهبی رایج در زمان آن‌ها وجود داشته است» (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸). مسعود آذرنوش نیز عدم دسترسی مستشرقان به منابع اصیل شرقی را عامل برداشت‌های نادرست اینان می‌داند: «در واقع هیچ‌یک از این نویسندگان چاره‌ای جز تکرار آنچه پیشینیان آن‌ها نوشته بودند نداشتند، به ویژه به دلیل آن که آن‌ها هیچ‌وقت به منابع شرقی توجه نکرده بودند. این پژوهشگران به دلیل دیدگاه غربی محض خود، به مورخین و جغرافی‌دانان ایرانی و عرب که ممکن بود توضیحات سودمندی درباره محوطه نوشته باشند بی‌اعتماد بودند. در واقع به دلیل فقدان کاوش‌های باستان‌شناسی شناختی نقشه‌ای که فلاندن و کست در طی بازدید کوتاهشان تهیه کرده‌اند بسیار مورد قبول واقع شد» (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۲۰). کامبخش‌فرد در بیان اختلافات میان معابد آناهیتا و پالمیرا می‌نویسد: «معبد پالمیرا در روی صفا ساخته نشده و در کنار راه تجارتنی است و فقط مکان و جایگاه آتش در مرکز آن بلندتر از سایر بخش‌های آن قرار داده شده که از طرح ایرانی تأثیر پذیرفته است. ... ستون‌های بلند و کشیده و دارای سبک یونانی- رومی و وجود تندیس‌ها و خدایان متعدد آن را از رده خانواده معماری و آیین‌های مذهبی ایرانی دور می‌کند» (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸). در حفاری‌های باستان‌شناسی «بر خلاف طرح فلاندن- کست، تنها یک ردیف ستون عبارت از «پایه + ساقه + سرستون» در لبه دیوار بیرونی از زیر خاک خارج شد» (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۱۷۶). در طرح فلاندن و کست در ضلع‌های شرقی، غربی و جنوبی ۳ ردیف

ستون و در ضلع شمالی ۲ ردیف ستون مشابه معبد پالمیرا در نظر گرفته شده بود.

آذرنوش نیز بر ایرانی بودن صفا بنای تاریخی کنگاور تأکید دارد: «در اینجا نیازی به بحث جایگاه صفا در معماری ایرانی نیست. کافی است به یاد آوریم که نمونه‌های خوبی از صفا‌های متعلق به دوره هخامنشی تا اواخر دوره‌های پارتی و ساسانی هنوز وجود دارد. از جمله صفا بزرگ تخت‌جمشید، قلعه دختر فیروزآباد و کوه خواجه. سنت ساخت و ساز صفا‌ها به عنوان شالوده کاخ‌های سلطنتی تا پایان این دوره ادامه داشت و نمونه عالی آن در عمارت خسرو در قصرشیرین موجود است» (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۴۳). هم‌چنین، آذرنوش معتقد است ترکیب ساختاری صفا ناهید بسیار شبیه به تخت فرهاد کنده در بیستون و صفا سرمج است (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۲۶). وی آن‌جا که درباره شیوه احداث سنگ نمای این صفا سخن می‌راند، تأکید می‌کند که: «فن کار در اینجا بی‌شابهت به صفا تخت‌جمشید نیست» (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۲۴).

۴. نگاهی اجمالی به ویژگی‌های معماری ایرانی

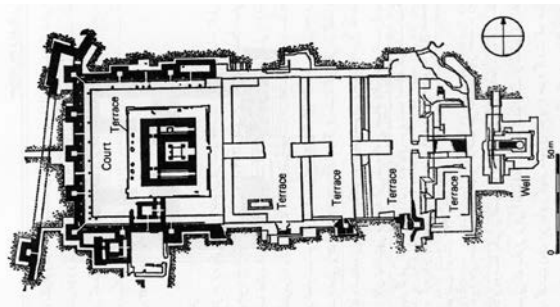
به منظور بررسی دقیق و جمع‌بندی سبک معماری معبد آناهیتا، نگارندگان بر این باورند که شناخت ویژگی‌های معماری ایرانی پیش از اسلام باید به درستی انجام گیرد تا بتوان با بهره‌مندی از این ویژگی‌ها درباره هویت معماری این بنا اظهار نظر کرد. در ادامه برخی ویژگی‌های معماری ایرانی مورد بحث قرار می‌گیرد و آن‌ها را در آثار بناهای گوناگون باقی‌مانده از آن دوران یادآور می‌شویم.

۴-۱. احداث بناها بر ارتفاعات، تپه‌ها و صخره‌های طبیعی
هندی‌ها و اروپایی‌ها از ابتدا به احداث بناهای خود بر ارتفاعات علاقه داشتند. بخشی از آثار برجای مانده از مادها «معماری صخره یا دژهای استحکاماتی هستند. این گونه بناها عموماً بر روی ارتفاعات و صخره‌های طبیعی و یا گاهی بر روی خاکریزها و تپه‌های مصنوعی ایجاد می‌شده‌اند و بر گرداگرد آن‌ها حداقل یک دیوار بلند و یا حصار متحدالمرکز بنا می‌شده است و مکمل این حصار یا دیوارها هم خندقی بوده که در کنار آن و در مسیر رودخانه ایجاد شده است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۶). این آثار «در مکان‌هایی چون تپه نوشیجان ملایر، گودین تپه، باباخان، تپه هگمتانه، زیویه و ... قرار دارد و در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است» (یاوری، ۱۳۸۸: ۴۱).

از دیگر بناهای ساخته شده بر صفا می‌توان به این موارد اشاره کرد: بنای مقبره مادر سلیمان یا تخت سلیمان (یاوری، ۱۳۸۸: ۵۵)، کاخ آپادانا در شوش (یاوری، ۱۳۸۸: ۶۲)، شهر نسا یا پارتانیسا مربوط به زمان اشکانیان (یاوری، ۱۳۸۸: ۸۰) و سرخ‌کتل (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۳۵۹- محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۵). هم‌چنین از آثار دیگر مربوط به پارتیان که بر فراز تپه‌ها بنا گردیده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (محمدی‌فر، ۱۳۸۹):

- تپه یحیی در دره سوغون ۲۲۵ کیلومتری جنوب کرمان با ارتفاع ۱۲۰۰ متر از سطح دریا،
- ناحیه باستانی غربال‌بیز بر تپه‌های کوه مثقال در کوهستان

می‌شدند؛ مانند کاخ و آرامگاه اصلی شهر نسا (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۷۰ و ۷۲)، مجموعه سرخ‌کتل افغانستان (هرمان، ۱۳۷۳: ۸۶)، مجموعه عبادتگاه برده‌نشانده (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۲ و ۱۵۳) و صفة مسجد سلیمان (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

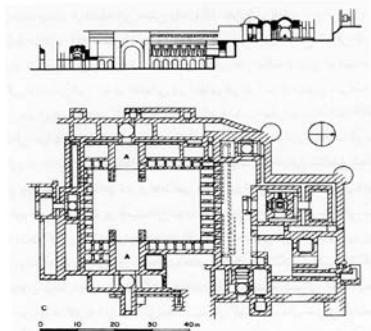


تصویر شماره ۱۲: پلان صغه‌های سرخ کتل (مأخذ: Colledge, ۱۹۷۷) سنت صغه‌سازی تا زمان ساسانیان نیز ادامه یافت. کاخ مشهور ساسانی مشهور به ایوان مداین که به دستور شاپور اول در تیسفون بنا گردید، بر روی صغه‌ای ساخته شده است (میرلطیفی، ۱۳۸۵: ۶۳). صفة «تخت‌نشین» یا «طریال» در کنار برج شهر فیروزآباد از آثار این دوره است که به صورت پله‌پله بنا گردیده است (یاوری، ۱۳۸۸: ۹۲). کاخ قصر شیرین که توسط خسرو پرویز در قرن ششم میلادی احداث گردید، بر روی صغه‌ای مصنوعی به بلندی ۸ متر قرار دارد (پیشین: ۹۷).

۴-۳. قرارگیری پرستش‌گاه‌ها و چهارطاقی آتشکده‌ها

در اماکن بدون سقف و انجام مراسم مذهبی در هوای آزاد در معماری ایران باستان و به منظور انجام آیین مذهبی دین زرتشت، اماکنی را برای افروختن آتش بنا می‌کردند که بدان آتشکده یا آتشگاه می‌گفتند. این بناها که عموماً با نام چهارطاقی شناخته می‌شد، سرپوشیده بود. اما در بلندی‌های بیرون از شهرها و در فضای باز ساخته می‌شدند. (میرلطیفی، ۱۳۸۵: ۳۳). یکی از آثار مربوط به هخامنشیان «آتش‌دان‌های سنگی واقع در نقش رستم است. ... در اطراف چنین چهارطاقی‌هایی قبل از اسلام، تشریفات مذهبی در هوای آزاد انجام می‌گرفته است» (میرلطیفی، ۱۳۸۵: ۴۶).

از دیگر نمونه‌های این آتشکده‌ها در بناهای اشکانی می‌توان به کاخ شاهی کوه خواجه سیستان اشاره کرد (یاوری، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵)



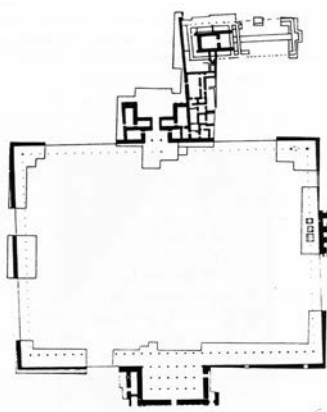
تصویر شماره ۱۳: پلان و برش کاخ کوه خواجه، چهارطاقی آتشکده در ضلع شمالی و بر فراز تپه قرار گرفته است. (مأخذ: Colledge, ۱۹۷۷)

- شیرکوه ۴۰ کیلومتری جنوب یزد و غرب مهریز،
- یاریم‌تپه در ۹ کیلومتری جنوب شهر گنبد کاووس با ارتفاع ۲۰ متر از نواحی اطراف و مجاور رودخانه قره‌سو،
- آثار کوه خواجه سیستان در فاصله ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل و با ارتفاع ۹۰ متر از دشت اطراف،
- تپه ناریشان در ۳ کیلومتری شمال شرقی دامغان،
- تورنگ‌تپه در مجاورت روستایی با همین نام در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی گرگان و با ارتفاع ۳۴/۵ متر از سطح دشت،
- تپه چشمه‌علی ری در محله صفاییه این شهر،
- قلعه زهک (ضحاک) بر فراز ارتفاعات کوه داش در ۱۶ کیلومتری جنوب شرقی هشتگرد،
- تپه‌های منطقه گرمی در ۱۳۲ کیلومتری شمال اردبیل و در ارتفاع ۱۲۰۰ متری از سطح دریا،
- یانیق‌تپه در شرق دریاچه ارومیه و جنوب شهر تبریز،
- مجموعه تخت سلیمان در ۴۵ کیلومتری شمال تکاب استان آذربایجان غربی،
- تپه چغامیش در جنوب شهر دزفول،
- تپه بولحیه در ۳ کیلومتری جنوب شوش و با ارتفاع ۱۵ متر از اطراف،
- پرستشگاه کوهستانی نمرودداغ در بخش علیای رودخانه فرات در آناتولی ترکیه.

۴-۲. به‌کارگیری صغه و سکوی مسطح به عنوان بستر بنا

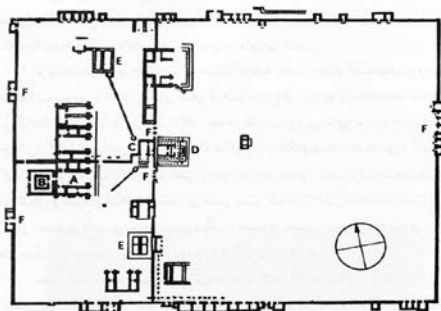
تمام محققان بر این واقعیت اذعان دارند که احداث صغه به عنوان بستر ساخت بناهای مهم از ویژگی‌های معماری ایران باستان است؛ به گونه‌ای که آن را از ویژگی‌های مهم شیوه معماری پارسی می‌دانند (رسولی، ۱۳۸۸: ۳۵-انصاری، ۱۳۸۹: ۵۴-میرلطیفی، ۱۳۸۵: ۴۶-یاوری، ۱۳۸۸: ۵۵). «اصولاً اکثر ساختمان‌های معظم ایرانی بر روی سکوی دست‌ساز برپا می‌شد بدین معنی که نخست با محکم کردن و بالا آوردن زمین، محل مطمئنی برای ساختمان کردن پدید می‌آوردند و سپس به عملیات ساختمانی می‌پرداختند» (میرلطیفی، ۱۳۸۵: ۶۳). احداث ساختمان‌ها بر روی سکوه‌های مصنوعی از نمادهای معماری ماد است (یاوری، ۱۳۸۸: ۵۳). «ساختن صغه یا سکو (مصطبه) ... از ابتکارات هنر آشوریان و کلدانیان (بین‌النهرین) است که در شیوه کارهای ایرانی از جمله در معماری تخت جمشید نیز از صغه ... بهره گرفته شده است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۴۲). صغه تخت جمشید به عنوان بزرگ‌ترین نمونه از بناهای با این ویژگی دارای ابعادی در حدود ۳۰۰×۴۵۰ متر و ارتفاع ۸ تا ۲۰ متر است (پیشین: ۵۰). صغه‌هایی نیز به صورت پله‌پله ساخته می‌شد. مهم‌ترین این نمونه‌ها زیگورات چغازنبیل متعلق به دوره عیلامیان است. هم‌چنین آرامگاه کوروش کبیر در پاسارگاد، آرامگاه گور دختر در جلگه بزپر در جنوب غربی جره، تخت گوهر یا تخت رستم در نزدیکی تخت جمشید از بناهای هخامنشی است که به صورت صغه پله‌پله ساخته شده‌اند (انصاری، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴).

برخی بناهای دوران اشکانیان نیز به همین شیوه ساخته



تصویر شماره ۱۴: پلان کاخ آی خانم و حیاط محصور شده آن (مأخذ: هرمان، ۱۳۷۳)

کاخ سروستان در فارس (انصاری، ۱۳۸۹: ۷۵)، بنای اصلی کاخ کوه خواجه در سیستان (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۹۴)، پرستگاه شمی (هرمان، ۱۳۷۳: ۴۱)، معبد بزرگ شهر الحضر (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۸۱).



تصویر شماره ۱۵: پلان محوطه مقدس معبد شهر حضر (مأخذ: کالج، ۱۳۵۷)

۴-۵. دیوار چینی و زیرسازی اطراف صفه

بی‌شک احداث صفه‌های تخت نیاز به تسطیح و تثبیت تپه‌ها و سطوح شیبدار دارد. در آثار باقی‌مانده از برخی بناهای دوره‌های پارسی و پارتی خاکریزی و دیوارسازی اطراف ارتفاعات به دست آمده است. یکی از نمونه‌های آن، کاخ آپادانای شوش بر روی تپه آپادانا است که به دستور داریوش اول هخامنشی ساخته شد (یاوری، ۱۳۸۸: ۶۲).

۴-۶. پلکان دوطرفه ورودی به بنا

از آن‌جا که اکثر بناهای ایرانی بر صفه‌ها ساخته می‌شد، لازم بود تا پلکانی برای ورود به ساختمان تعبیه شود. در برخی از این بناها پلکان دوطرفه‌ای مشاهده می‌شود. مشهورترین آن در صفه تخت جمشید است که «برای صعود از صفه پلکان دوطرفه‌ای مشتمل بر یکصد و ده پله در هر طرف وجود دارد» (انصاری، ۱۳۸۹: ۵۰). کاخ آپادانای تخت جمشید نیز از بناهایی است که اختصاصاً دارای دو مجموعه پلکان دوطرفه است. نمونه دیگری از این پلکان‌های دوطرفه در کاخ قصر شیرین مربوط به دوره ساسانی است. این پلکان دوطرفه دسترسی به ارتفاع ۸ متری فراز صفه را تأمین می‌کند (یاوری، ۱۳۸۸: ۹۷).

در معماری معابد پارت‌ها «با وجود اختلافات زیادی که در مصالح ساختمانی و جزئیات امور معماری مشهود است، باید گفت که از لحاظ سبک و شیوه یک جنبه عمومی رعایت شده است، به طوری که همه آن‌ها در روی یک سکویی قرار گرفته و از اتاق‌های مستطیل یا مربع شکل، که از دیوار خارج به وسیله یک کریدور طاق‌دار غیرمستقیم تفکیک می‌شد، تشکیل گردیده بودند» (میخائیلوویچ دیاکونوف، ۱۳۸۳: ۲۷۲-۲۷۱). «پلکانی در دیوار خارجی معبد ساخته شده بود که به بام منتهی می‌شده و بر بام آتشی که در آن آتش مقدس شعله‌ور بوده قرار داشته. تشریفات مذهبی گرداگرد معبد در هوای آزاد صورت می‌گرفته» (میخائیلوویچ دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۲۳). علی‌رغم ناسازگاری ساسانیان با همه ابعاد فرهنگی اشکانیان، همین شیوه معماری را در مورد اماکن مذهبی و آتشیگاه‌ها ادامه دادند و دنبال کردند» (خدادادیان، ۱۳۷۹: ۳۱۳). مالکوم کالج نیز معتقد است پرستشگاه‌های فضای باز ایرانی تداوم سنتی است که در دوره پارتیان به خوبی رواج داشت (کالج، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۳).

احداث آتشیگاه‌های هوای آزاد در دوره ساسانیان رونق بیشتری یافت. به جهت رسمی شدن دین زرتشت و اهمیت بنای آتشیگاه‌ها، خاندان ساسانی که از آغاز نگاهبان آتش بودند، در ساخت و نگهداری آتشیگاه‌ها بسیار کوشش نمودند. «آتشیگاه‌های تاریخی که از این زمان به دست آمده‌اند تقریباً دارای پلان یکسان بوده و همگی در یک مربع محاط شده‌اند و روی چهار ستون از سنگ و گچ ساخته شده‌اند» (میرلطیفی، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۶). «بر روی این فضای چهارضلعی گنبدی قرار می‌گرفته و به همین خاطر به چهارطاقی نیز موسوم است. ... اصولاً این بناها را بر روی بلندی‌ها می‌ساخته‌اند» (یاوری، ۱۳۸۸: ۱۰۱). آتشیگاه‌های بنا شده بدین سیاق در دوران ساسانی عبارتند از: آتشیگاه قصر شیرین، آتشیگاه حیدریه قزوین، چهارطاقی نیاسر کاشان، مصلا یزد، چهارطاقی نطنز، آتشیگاه آذرگشسب تخت سلیمان در تکاب آذربایجان، آتشیگاه آذربرزین مهر در ریوند خراسان و آتشیگاه آذرربنغ در کاربان فارس (انصاری، ۱۳۸۹: ۸۰).

۴-۴. حیاط وسیع محصور شده با دیوار و ستون

ایجاد محیط‌های روباز در کنار پرستشگاه‌ها و اماکن دینی، لازمه برگزاری مراسم مذهبی در فضای باز است. لذا مشاهده می‌شود که سطوح صفه‌ها و بستر مسطح تپه‌هایی که خاستگاه معماری نمادین ایران باستان بوده با روش‌های گوناگون محصور گردیده و به صورت حیاطی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مثلاً در معماری هخامنشی «از آثار مذهبی محراب‌های بزرگ سنگی و محل‌هایی را می‌توان ذکر کرد که به منظور پرستش اختصاص داشته و مسقف نیست» (میخائیلوویچ دیاکونوف، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

لکن بیش‌ترین نمونه‌های حیاط‌ها مربوط به دوره حکومت اشکانیان است که در این‌جا به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود. کاخ آی‌خانم افغانستان (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۱)، مقبره اصلی مجموعه مذهبی سرخ‌کتل در میان حیاطی وسیع واقع شده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۵).



تصویر شماره ۱۸: پلان مجموعه تخت سلیمان متشکل از دو مربع

۴-۸. به کارگیری مصالح سنگ، خشت و گچ

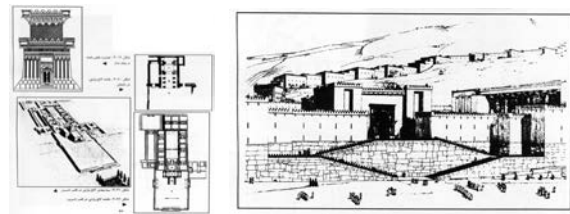
از ویژگی‌های مشترک سبک‌های معماری پیش از اسلام به کارگیری دو مصالح بومی سنگ و خشت است. از آغاز شیوه پارتی مصالح گچ نیز به این مجموعه اضافه شد (رسولی، ۱۳۸۸: ۳۵ و ۴۸ و ۵۰). از این رو، «اشکانیان به طرز چشمگیری از گچ استفاده کرده‌اند» (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۶۲). مصالح سنگی به کار رفته در بناهای هخامنشی از نوع مرغوب سنگ بریده (تراش منظم) و سنگریزه و پاک‌تراش و سنگ‌های صیقلی است (انصاری، ۱۳۸۹: ۵۴). لکن در معماری پارتیان بیش‌تر از مصالح بوم‌آوردی چون سنگ لاشه، خشت خام و پخته استفاده شده است (یاوری، ۱۳۸۸: ۸۰).



تصویر شماره ۱۹: صفا تل تخت پاسارگاد و کاربرد سنگ‌های پاک تراش در بدنه آن (مأخذ: GoogleEarth)

«در تخت جمشید کف زمین، چهارچوب درها و نیز ستون‌ها از سنگ ساخته شده، اما دیوارها را با خشت ساخته‌اند» (انصاری، ۱۳۸۹: ۴۲). سایر آثار برجای مانده از هخامنشیان نیز حاوی مصالح سنگی تراشیده و بعضاً صیقلی شده‌اند؛ مانند پاسارگاد، آرامگاه کوروش کبیر، آرامگاه گور دختر، آپادانای شوش و کعبه زرتشت.

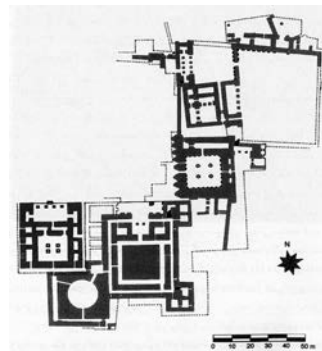
«کاربرد سنگ همان‌گونه که در معماری بین‌النهرین معمول بوده است و در نزد اشکانیان نیز اعمال شد، تنها هنگامی در ساختن بناها به کار می‌رفت که در محل موجود بود. ... پارتیان نیز برای مناطقی که سنگ وجود نداشت با سرمایه‌ای کلان این ماده مهم و مقاوم ساختمانی را در بنای آن استفاده می‌کردند» (خدادادیان، ۱۳۷۹: ۳۰۵). مالکوم کالج نیز تأکید می‌کند که در زمان اشکانیان «سنگ هنگامی به کار برده می‌شد که مقدار زیادی از آن موجود بود یا وضع مادی چنین اقتضاء می‌کرد» (کالج، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از دیگر نمونه‌های ساخته شده با سنگ‌های تراشیده می‌توان به این بناها اشاره کرد: صفا برده‌نشانده (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۲)، صفا مسجد سلیمان (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۵)، بناهای شهر هتره (هترا یا الحضر) (میخائیلویچ دیاکونوف، ۱۳۸۳: ۲۷۰) که



تصویر شماره ۱۶: پلکان ورودی دوطرفه الف تخت جمشید ب کاخ قصر شیرین (مأخذ: رسولی، ۱۳۸۸)

۴-۷. فرم مربع در پلان‌ها

آن‌چه به وفور در ایران پیش از اسلام ملاحظه می‌شود، تأکید بر فرم مربع در پلان‌های بناهای ساخته شده است. این فرم از کوچک‌ترین اجزای پلان چون چهارطاقی‌ها تا بخش‌های کلان هم چون کاخ‌ها و معابد بزرگ دیده می‌شود. اولین نمونه از بناهای مربعی شکل، زیگورات چغازنبیل مربوط به دوره عیلامیان است که ابعاد هر ضلع طبقه نخست آن ۱۰۵/۲۰ متر است. (یاوری، ۱۳۸۸: ۳۱). تنها بنایی که از دوران ایلام جدید باقی مانده معبدی است کوچک «که پلان مربع دارد و به زمان شوتروک-نهونته دوم در اواخر قرن هشتم ق.م تعلق دارد». (یاوری، ۱۳۸۸: ۴۰). بناهای متعددی از دوران هخامنشیان با پلان مربع باقی مانده که از آن‌ها می‌توان به مقبره کمبوجیه (زندان سلیمان)، کعبه زرتشت و کاخ آپادانا اشاره نمود (میخائیلویچ دیاکونوف، ۱۳۸۳: ۱۳۹). هر چهار اثر اصلی برجای مانده از اشکانیان در شهر نسا دارای پلان مربع هستند: «کاخ یا بنای مربع»، «معبد دایره»، «برج-معبد» و «خانه مربع» (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۲).



تصویر شماره ۱۷: بناهای باقیمانده از شهر نسا (مأخذ: محمدی‌فر، ۱۳۸۹)

از دیگر بناهای ساخته شده بر پایه مربع می‌توان به این موارد اشاره نمود: نیایشگاه بزرگ شهر آی‌خانم (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۴)، حیاط پیرامونی مقبره اصلی سرخ‌کتل (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۲۱)، قلعه زهک (ضحاک) (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۲۲) و کاخ نیپور (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۶۷). معبد آناهیتای بیشاپور نیز که از آثار باقیمانده از سلسله ساسانیان است دارای پلانی مربعی با اضلاع ۱۴ متر است. (یاوری، ۱۳۸۸: ۹۶). مجموعه عظیم تخت سلیمان در آذربایجان غربی نیز مربوط به این دوره است. در پلان این مجموعه «دو مربع مختلف‌المرکز و هم‌محور به چشم می‌خورد که دریاچه در مرکز جنوبی (مربع بزرگ‌تر) و آتشکده در مرکز مربع شمالی (مربع کوچک‌تر) قرار گرفته است» (یاوری، ۱۳۸۸: ۹۹).

گروهی از بناهای مرتفع آن با تخته سنگ‌های بزرگ و ملات گچ ساخته شده و بلندترین و بزرگ‌ترین این آثار بارو، دیوار شهر، برج‌ها، دروازه‌ها و معبد کبیر هستند (محمدی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۸۰).



تصویر شماره ۲۰: بخشی از دروازه شهر هتره که با سنگ‌های پاک تراش ساخته شده (مأخذ: GoogleEarth)

«در میان بقایای معماری از دوران ساسانیان نظیر کاخ‌ها و آتشکده‌ها، معلوم می‌شود که مصالح اصلی در ساختمان‌سازی این عهد از جمله قلوه‌سنگ، قطعات بزرگ سنگی (لاشه و تراشیده)، آجر پخته و خشت خام از عمده‌ترین مصالح ساختمانی این دوره شناخته شده‌اند» (انصاری، ۱۳۸۹: ۷۰). کاخ فیروزآباد فارس «در وسعتی به طول و عرض ۱۰۴×۵۵ متر و با استفاده از لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۷۲).

۵. بررسی ویژگی‌های معماری ایرانی در معبد آناهیتا

محققان ایرانی با مطالعه بر روی فرم کلی و نیز جزئیات بنای معبد آناهیتا به کشف شباهت‌های گوناگونی از آن با دیگر آثار دورهٔ هخامنشی، پارتی و ساسانی پرداخته‌اند. با استناد به همین شباهت‌ها است که صاحب‌نظران معتقدند می‌توان در یونانی بودن سبک معبد آناهیتا تردید نمود. مشابهت‌های متعددی میان بنای معبد آناهیتا و سایر نمونه‌های معماری مادی، پارسی و پارتی وجود دارد که با توجه به خصوصیات معماری ایرانی که در بخش قبل بدان‌ها اشاره شد، در این جا سعی می‌کنیم آن‌ها را در کالبد معماری بنای تاریخی کنگاور به نظاره بنشینیم.

۱. احداث بنا بر روی تپهٔ ناهید کنگاور: این ویژگی عام بناهای ایرانی، به خوبی در معبد آناهیتا رعایت شده و بر روی تپه‌ای به ارتفاع حداکثر ۳۲ متر از دشت پیرامونی ساخته شده است.
۲. ساختار صفت معبد در سه سطح: معبد آناهیتا دارای صفت‌های با سه سطح است که در ارتفاع‌های ۷، ۱۸ و ۳۲ متری از سطح زمین احداث شده‌اند و از پایین به بالا ابعاد آن‌ها کوچک می‌شود و از شکل زیگوراتی بناهای ایرانی تبعیت می‌کند.
۳. مکان آتش بر فراز تپه برای مراسم هوای آزاد: هرچند هنوز اثری از آتشگاه‌های چهارطاقی بر روی سکوی سوم معبد آناهیتا کشف نشده اما کامبخش‌فرد معتقد است: «در همین فضا مراسم برات آتش انجام می‌شده و اثر این آتش فراوان به هنگام کاوش مشاهده شده است. ... اثر داغ آتش که لایه‌های متعدد سرخ و شن‌گرفی تند و قهوه‌ای و سوخته و زرد را بر بدنه و پیکرهٔ صخره برجای نهاده مورد توجه و دقت قرار گرفت که هنوز هم با گذشت ایام و پس از زدودن غبار، می‌توان این داغ را مشاهده نمود» (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸). بنابراین بی‌شک بر

فراز تپهٔ ناهید آتش آیین زرتشت روشن بود و مراسم مذهبی به سبک سایر نیایشگاه‌های این دوران در آن برگزار می‌شد.

۴. ایجاد محوطهٔ روباز پیرامون جایگاه آتش و محصور با ردیف ستون‌ها: ویژگی طراحی حیاط روباز برای دسترسی به یک بنای مذهبی و محصور کردن آن با استفاده از دیوار، ستون و رواق از ویژگی‌های خاص معماری اشکانی است؛ هرچند این شیوه در نقاط مختلف سرزمین پهناور پارتیان به سبک‌های گوناگونی به انجام می‌رسید. از این جهت شباهت‌های زیادی میان محیط صفت معبد آناهیتا کنگاور و بناهایی چون کاخ آی‌خانم و مقبرهٔ سرخ‌کتل افغانستان یا پرستشگاه شمی خوزستان وجود دارد.

۵. دیوارچینی گرداگرد تپهٔ ناهید: احداث دیوار سنگی پیرامون تپهٔ ناهید به منظور حصول به سطح صاف صفت اصلی معبد به انجام رسیده است. این مورد تقریباً مشابه شیوهٔ ساخت صفت در کاخ آپادانای شوش، پرستشگاه شمی خوزستان و برده‌نشانده مسجد سلیمان با این تفاوت که در معبد کنگاور از ملات گچ نیز برای استحکام سنگ‌ها استفاده شده است.

۶. پلکان اصلی ورودی به صورت دوطرفه: پلهٔ اصلی ورود به صفت معبد آناهیتا در وسط ضلع جنوبی قرار دارد و با سبکی ایرانی به صورت دوطرفه طراحی شده است. پله‌هایی با این سیاق در کاخ آپادانای تخت جمشید، کاخ پاسارگاد، آرامگاه نسیای نو و کاخ قصرشیرین وجود دارد. نوع بالبخت آن با دو پاگرد در پلکان ورودی تخت جمشید بنا گردیده است.

۷. پلان مربعی شکل صفت اصلی: ویژگی منحصر به فرد مربعی بودن پلان‌ها در معماری ایرانی بالاخص اشکانی، در صفت اصلی معبد آناهیتا رعایت شده و دارای ابعادی در حدود ۲۰۸×۲۱۰ متر (به نقل از کامبخش‌فرد) است. البته به دلیل به اتمام نرسیدن کاوش‌ها ابعاد دقیق این صفت و صفت‌های فوقانی آن مشخص نشده است، اما شکی نیست که تناسب آن از حالت مربع خارج نمی‌شود.

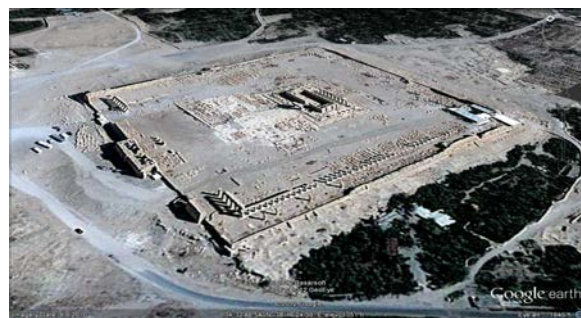
۸. مصالح اصلی سنگ و گچ در معبد آناهیتا: این ویژگی بناهای اشکانی که از مصالح بوم‌آورد در ساخت استفاده می‌شد به خوبی در معبد آناهیتا هویداست. منابع سنگ آهکی به کار رفته در این بنا از کوه چلمران در مجاورت شهر کنگاور تأمین شده است. هم‌چنین، مشاهده می‌شود که در پشت کار از سنگ‌های لاشه و در نمای اصلی دیوارهای پیرامونی از سنگ تراشیده و پاکتراش استفاده شده است. ملات گچ نیز به وفور در احداث بنا به کار رفته که این نیز از ویژگی‌های معماری پارتی است.

اما دربارهٔ ستون‌های این معبد که فرم آن‌ها بیش‌ترین شباهت را با بناهای یونانی به ذهن بازدیدکنندگان القا می‌کنند، باید گفت که تناسب آن‌ها با آن‌چه از ستون‌های این دوره به دست آمده متفاوت است. در آثار کلاسیک یونانی، ستون‌ها باربر هستند، اما از نظر الکساندر ریکا و مرحوم آذرنوش ستون‌های بنای کنگاور هیچ نقش

باربری نداشته‌اند. به هر حال، نمی‌توان گفت که آیا ستون‌های معبد آناهیتا به نمونه‌های یونانی شبیه هستند یا به نمونه‌های ایرانی. از نظر فرم، بدنه آن‌ها ساده‌ترین شکل یعنی استوانه را به خود گرفته و برخی تزیین‌ها هم چون شیارهای قاشقی که در آن زمان بر روی سطح ستون‌ها ایجاد می‌شد، وجود ندارد. پایه ستون آن مشابه نمونه‌های هخامنشی است که در تپه هگمتانه همدان یافت شده است (مهریار و کبیری، ۱۳۸۳: ۳۲). البته مشابه این پایه ستون در برخی بناهای یونانی نیز مشاهده می‌شود. سرستون آن نیز به نقل از مرحوم آذرنوش هیچ شباهتی با سبک‌های دوریک و یونیک یونانی ندارد. تنها لوحه روی سرستون‌ها شبیه به نمونه‌های کرتین است. نگارندگان بر این اعتقادند که تفاوت‌های زیاد این ستون‌ها با نمونه‌های ایرانی و یونانی به دلیل نوع کارکرد آن‌هاست. در عموم بناهای ستون‌دار، این عنصر معماری نقش حمل تیرها، طاق‌ها و سقف‌ها را بر عهده دارد. اما از آن‌جا که هیچ اثری از باقیمانده‌های سقف در معبد آناهیتا یافت نشده، به نظر می‌رسد این ستون‌ها بار هیچ سقفی را حمل نمی‌کرده‌اند، بلکه نقش تعیین حریم معبد و محصور کردن پیرامون صفا روبراز آن را داشته‌اند و به دلیل ارتفاع زیاد صفا اصلی از محیط اطراف، با نشان دادن لبه بیرونی معبد، جان‌پناهی برای افراد مستقر در بنا بوده‌اند

۶. مقایسه‌ای میان معبد آناهیتا و معبد پالمیرا

همان‌طور که ذکر شد، فلاندن و کست اولین مستشرقانی بودند که با مشاهده معبد آناهیتا، پیشنهاد الگوگیری این بنا را از معبد پالمیرای یونانی واقع در کشور سوریه بیان کردند. این دو بر اساس این پیشنهاد، پلان اولیه معبد آناهیتا را مشابه معبد پالمیرا ترسیم نمودند. سایر محققان اروپایی نیز به تقلید از این دو، همین طرح را برای بنای تاریخی کنگاور مدنظر قرار دادند. امروزه با اکتشافات جدید باستان‌شناسی، مشخصات بیش‌تری از این بنا بر همگان آشکار شده است که امکان مقایسه این دو بنا را بهتر از قبل فراهم می‌کند. اولین و تنها شباهت میان معبد آناهیتا و معبد بل پالمیرا در سوریه فرم کلی بیرونی در پلان است. پلان این دو بنا هر دو با فرم مربع طراحی شده و ابعاد هر دو مربع تقریباً با هم برابر است، بدین ترتیب که معبد آناهیتا ۲۱۰×۲۰۸ متر و معبد بل پالمیرا ۲۰۵×۲۰۰ متر است.



تصویر شماره ۲۱: باقیمانده‌های محوطه معبد پالمیرا (مأخذ: GoogleEarth)

اما تفاوت‌های بیش‌تری میان این دو معبد وجود دارد که در اینجا

ذکر می‌شود.

۱. جهت‌گیری معبد آناهیتا شمالی-جنوبی و جهت‌گیری معبد بل پالمیرا شرقی-غربی است.
۲. در لبه بیرونی معبد آناهیتا تنها یک ردیف ستون کشف شده اما معبد پالمیرا در لبه بیرونی دارای دیوار بلندی است که مانند یک دژ عمل می‌کرد و با فاصله‌ای از این دیوار و به موازات آن، دو ردیف ستون وجود داشت.



تصویر شماره ۲۲: بخشی از دیواره باقیمانده بیرونی معبد پالمیرا (مأخذ: GoogleEarth)

۳. ارتفاع ستون‌های معبد بل پالمیرا حداقل ۳ برابر ارتفاع ستون‌ها در معبد آناهیتا است.



تصویر شماره ۲۳: ستون‌های باقی‌مانده معبد پالمیرا (مأخذ: GoogleEarth)

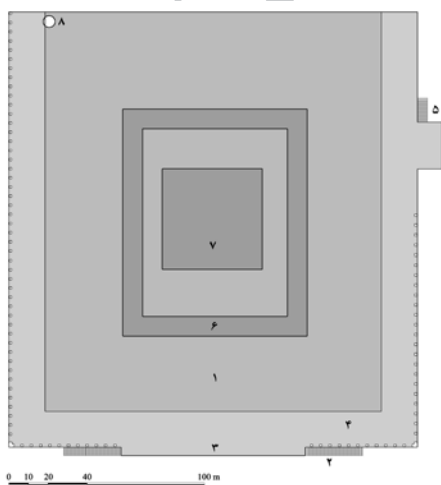
۴. سرستون‌های معبد بل پالمیرا دارای طرح و تزیین‌های مفصل‌کورتنی است، اما در سرستون‌های معبد آناهیتا تنها به یک بالشتک ساده اکتفا شده است.
۵. معبد آناهیتا بر فراز تپه واقع شده که برای دسترسی به صفا اصلی آن باید تا ارتفاع ۷ متری بالا رفت، اما معبد بل پالمیرا در دشت واقع شده است و ارتفاعی نسبت به محیط اطراف ندارد.
۶. معبد آناهیتا دارای سه صفا در سه سطح مختلف و با طرح زیگوراتی است، اما تنها ساختمان معبد مرکزی بل در پالمیرا نسبت به سایر محیط معبد در ارتفاع بالاتری قرار گرفته است که این ارتفاع اندک با ارتفاع ۳۲ متری صفا سوم معبد آناهیتا قابل مقایسه نیست



تصویر شماره ۲۴: محوطه مسطح اطراف معبد مرکزی پالمیرا (مأخذ: GoogleEarth)

جنوبی، ورودی اصلی معبد را شکل می‌دهند و در بالاترین نقطه به یک مهتابی هم‌سطح با سکوی اصلی معبد می‌رسیدند، و این مهتابی هیچ ستونی نداشت. یک پله فرعی نیز در بخش شمالی ضلع شرقی وجود داشت. شواهد نشان می‌دهد معبد دارای سکوهایی دیگری در ارتفاع‌های بالاتر و با وسعت کم‌تر بود و آثاری از دو سکوی دیگر نیز یافت شده است. سکوی دوم با ابعاد تقریبی $۱۱/۶۶ \times ۹/۴۲$ متر در میانه معبد و با فاصله $۳/۸۷$ متر از انتهای سکوی پیرامونی در ضلع جنوب قرار داشت. ضخامت سطح ساخته شده دور تادور این سکو در پلان تقریباً یک متر است. سکوی سوم با ابعاد تقریبی $۵/۱۵ \times ۵/۱۲$ متر در وسط معبد و با فاصله $۲/۴۳$ متر از لبه داخلی جنوبی سکوی دوم احداث گردیده بود. گمان می‌رود بر روی این سکو، بنایی چهارطاقی هم‌چون سایر آتشکده‌های پارسی و پارتی چون آتشکده‌های فیروزآباد، قصر شیرین، آتشکوه، نیاسر، تخت سلیمان و ... وجود داشت که کاوش‌های آینده می‌توانند به طور دقیق آن را معلوم و مشخص کنند. در توصیف‌هایی که مورخان و سیاحان در بازدید خود پس از ورود اسلام به ایران از این بنا داشته‌اند برمی‌آید که به جز وضعیت تشریح شده در بالا، اجزای دیگری نیز بر کالبد آن احداث شده که عبارتند از: ایوان‌ها، عمارات کلاه فرنگی، کوشک‌ها، خزانه‌ها و غیره. مشخص نیست که آیا اجزای کالبدی و بناهای مذکور از ابتدا بر بستر معبد ساخته شده بودند و یا پس از تغییر کاربری و شکل‌گیری محله‌های شهری بر آن، به وجود آمده‌اند. در این میان شاید ایوان‌ها بخشی از بنای اولیه بوده باشند و در احداث چهارطاقی آتشگاه، اتصال ستون‌ها به یکدیگر یا به سقف و دیگر اجزای معبد به کار رفته باشند.

نگارندگان این مقاله تلاش کردند بر اساس یافته‌های پژوهشی خویش و آنچه در کاوش‌های اخیر از معماری بنای آن‌ها بر محققان روشن شده است، پلان کلی معبد را ترسیم نمایند که در تصویر شماره ۲۶ به نمایش درآمده است. آمیزه‌ای از اطلاعات کتابخانه‌ای، داده‌های تصویری، بازدیدهای میدانی و عکس‌های هوایی در تهیه این نقشه مورد استفاده قرار گرفته است.



تصویر شماره ۲۶: پلان معبد آن‌هایتا کنگاور؛ (۱) تپه ناهید، (۲) پله ورودی، (۳) مهتابی جنوبی، (۴) سکوی اول، (۵) پله فرعی، (۶) سکوی دوم، (۷) سکوی سوم و (۸) موقعیت امامزاده ابراهیم

۷. ۱- معبد بل پالمیرا در ورودی اصلی ضلع غربی خود و درون دیوار بیرونی دارای سردر و دروازه بزرگی بوده است. اما ورودی اصلی معبد آن‌هایتا در جنوب قرار داشته و دارای یک پله دوطرفه بوده است.

۸. آثار باقیمانده از معبد بل پالمیرا یک معبد مرکزی با سبک کاملاً یونانی را نشان می‌دهد، اما تاکنون اثری از وجود ساختمان معبد مرکزی در وسط محوطه معبد آن‌هایتا یافت نشده و داغ آتش باقی‌مانده در سطح صدف سوم نشان می‌دهد که در این مکان آتشگاهی وجود داشته است.



تصویر شماره ۲۵: معبد مرکزی محوطه پالمیرا (بل) با سبک یونانی (مأخذ: GoogleEarth)

۹. در مجاورت معبد آن‌هایتا و در بستر شرقی تپه ناهید گورستانی کشف شده است اما تاکنون گزارشی از وجود گورستان در معبد بل پالمیرا به دست نیامده است.

۱۰. درون معبد بل پالمیرا مجسمه‌ها و تندیس‌هایی به سبک یونانی وجود داشت، اما تاکنون اثری از چنین مجسمه‌هایی در معبد آن‌هایتا کشف نشده است.

با توجه به اختلافات متعددی که میان این دو معبد وجود دارد، به نظر نمی‌رسد، شبیه دانستن این دو و الگوگیری یکی از دیگری صحیح باشد. حتی به عقیده نگارندگان شباهت این دو معبد در ابعاد و اندازه‌ها تصادفی است، زیرا در محوطه شهر پالمیرا بناها و معابد دیگری با همین سیاق و با ابعاد دیگر نیز وجود داشته است.

جمع بندی

با بررسی اجمالی یافته‌های باستان‌شناسی و ترسیم‌های اولیه از اجزای ساختمانی این بنا می‌توان به جمع‌بندی نسبتاً کاملی از وضعیت معماری معبد آن‌هایتا رسید.

داده‌ها و نتیجه‌های پژوهشی نشان می‌دهند که پلان کلی معبد آن‌هایتا بر روی بستر طبیعی تپه‌ای به نام گچ‌کن (ناهید) احداث گردیده و درون مستطیلی به ابعاد تقریبی ۲۲۴×۲۰۹ متر جای گرفته و کشیدگی آن شمالی جنوبی است. دور تا دور آن با دیوارهای سنگی محصور شده و برای تسطیح رویه تپه، پشت دیوارها با مخلوطی از سنگ‌های لاشه و ملات گچ پر شده و سکویی به عرض تقریبی $۱۸/۵$ متر پیرامون بنا به وجود آمده است. در لبه بیرونی این سکو و بر فراز دیوارهای پیرامونی، یک ردیف از ستون‌های ضخیم و کم‌ارتفاع قرار گرفته که هنوز مشخص نیست آیا سرستون‌های آن‌ها از بالا به همدیگر وصل بوده‌اند یا خیر؟ نمای اصلی معبد در ضلع جنوب قرار گرفته و دو پلکان متقارن از طرفین به موازات و چسبیده به بدنه

احتمالاً برای مراسم مذهبی آیین زرتشت، آتشکده‌ها بر فراز تپه‌ها استقرار می‌یافتند. اثر این آتش فراوان بر بدنه و پیکره صخره بر جای نهاده شده و داغ آتش مشاهده می‌شود. بنابراین بی‌شک بر فراز تپه ناهید، آتش آیین زرتشت روشن بوده و مراسم مذهبی چون دیگر نیایشگاه‌های این دوران در آن برگزار می‌شد. ویژگی محوطه‌سازی پیرامون جایگاه آتش، در این بنا مشهود است، به گونه‌ای که حیاط روباز برای دسترسی بر یک بنای مذهبی در محصور کردن آن با استفاده از ستون و رواق از خصوصیات خاص معماری ایرانی است.

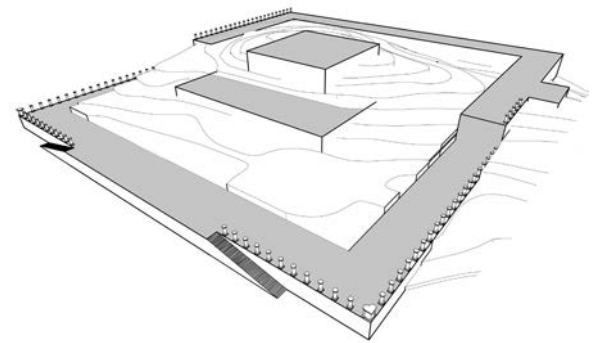
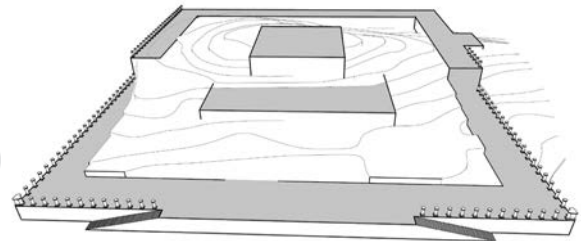


تصویر شماره ۲۷: ترسیم پلان معبد آناهیتا بر عکس هوایی تپه ناهید شهر کنگاور



تصویر شماره ۲۸: نمای جنوبی معبد آناهیتا

وجود پلکان اصلی دوطرفه به صفحه معبد آناهیتا در وسط ضلع جنوبی با سبکی ایرانی طراحی شده است که نظیر آن در کاخ آپادانا، تخت جمشید وجود دارد. ویژگی منحصر به فرد مربعی بودن پلان‌ها در معماری ایرانی اشکانی و ساسانی، در صفحه اصلی معبد آناهیتا رعایت شده و ابعادی در حدود ۲۰۰ در ۲۰۰ متر برای آن رقم زده شده است. در این معبد از مصالح بوم‌آور یعنی سنگ به عنوان مصالح اصلی به صورت سنگ تراشیده و لاشه استفاده شده و ملات گچ نیز به وفور در احداث این بنا به کار رفته است که این نیز از ویژگی‌های معماری این دوران است.



تصویر شماره ۲۹: مدل سه‌بعدی معبد آناهیتا

فهرست منابع و مراجع

۱. آذرنوش، مسعود (۱۳۷۷)، «کاوش کنگاور»، ترجمه فاطمه کریمی، فصلنامه علمی فنی هنری، سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۳۰-۲۹، صص ۱۸-۵۴
۲. انصاری، جمال (۱۳۸۹)، هنر و معماری ایران، آشنایی با هنرها و پدیده‌های معماری ایران، انتشارات سیحان نور، تهران.
۳. برنامه مدیریت آینده محوطه تاریخی معبد آناهیتا (۱۳۸۳)، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، کنگاور.
۴. پرادا، ایدت (۱۳۵۷)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، دانشگاه تهران، تهران.
۵. پرگاری، علی اشرف (۱۳۸۷)، کنگاور، معبد آناهیتا، قربانگاه مهر، انتشارات پرگار، تهران.
۶. خدادادیان، اردشیر (۱۳۷۹)، مجموعه ایران باستان: اشکانیان، نشر به‌دید، تهران.
۷. دومورگان، ژاک (۱۳۳۱)، هیأت علمی فرانسه در ایران (مطالعات جغرافیایی غرب ایران)، ترجمه کاظم ودیعی، انتشارات چهر، تبریز.
۸. رسولی، هوشنگ (۱۳۸۸)، تاریخچه و شیوه‌های معماری در ایران، نشر پشتون، تهران.
۹. سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزی (۱۳۷۳)، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی (اشکانی، ساسانی)، تدوین حسین

نتیجه‌گیری

با بررسی یافته‌های نگارندگان و هم‌چنین یافته‌های دیگر پژوهشگران و کاوشگران معبد آناهیتا کنگاور، می‌توان گفت که این بنا شباهت‌های بسیاری با سایر بناهای ایرانی معاصر خود دارد و در یونانی بودن آن جای بسی تردید است. بنای این معبد در ارتفاعات تپه ناهید (تپه بابا قورت) کنگاور در ارتفاع ۳۲ متری از زمین‌های پست جنوبی واقع شده است. صفحه‌ای با سه سطح که در ارتفاع‌های ۷ و ۱۸ و ۳۲ متر از سطح زمین احداث شده که از پایین به بالا ابعاد آن‌ها کوچک می‌شود و از شکل زیگوراتی بناهای ایرانی تبعیت می‌کند و نشان از ادامه سبک صفه‌سازی ایرانیان دارد.

31. Downey. S (1988), Mesopotamian Religious Architecture: Alexander through the Parthian, Princeton.
 32. Colledge. Malcolm A. R. (1977), Parthian art. (Elek Archaeology and Anthropology.) xvi, 200 pp., 32 plates. London: Paul Elek

- محسنی و محمد جعفر سروقدی، جهاد دانشگاهی هنر، تهران.
 ۱۰. کالج، مالکوم (۱۳۸۵)، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات هیرمند، تهران.
 ۱۱. کامبخش فرد، سیف‌اله (۱۳۸۰)، آثار تاریخی ایران، مؤسسه انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
 ۱۲. کامبخش فرد، سیف‌اله (۱۳۷۴)، معبد آناهیتای کنگاور کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و بازسازی و احیای معماری معبد ناهید و طاق گرا، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
 ۱۳. کامبخش فرد، سیف‌اله (۱۳۶۸)، کنگاور، در: کیانی، محمد یوسف، شهرهای ایران، جلد ۳، چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، با همکاری جهاد دانشگاهی، تهران.
 ۱۴. کبیری، احمد (۱۳۸۱)، راستای شمالی بنای تاریخی کنگاور، هیأت پژوهش و مرمت بنای تاریخی معبد آناهیتا (کنگاور)، گزارش جهت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
 ۱۵. کریمیان سردشتی، نادر (۱۳۷۷)، بررسی متون تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ها در باب بنای تاریخی معبد آناهیتا کنگاور، به کوشش احمد کبیری، هیأت پژوهش و مرمت بنای تاریخی معبد آناهیتا (کنگاور)، گزارش جهت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
 ۱۶. گلزاری، مسعود (۱۳۵۷)، کرمانشاهان - کردستان، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
 ۱۷. گیرشمن، رمان (۱۳۵۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 ۱۸. گیرشمن، رمان (۱۳۷۰)، هنر ایران در دوران پارت و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ۱۹. گیرشمن، رمان (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ۲۰. لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ (۱۳۷۳)، معبد آناهیتا، در: کامبخش فرد، سیف‌اله، معبد آناهیتای کنگاور کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و بازسازی و احیای معماری معبد ناهید و طاق گرا، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
 ۲۱. محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۹)، باستان‌شناسی و هنر اشکانی، انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، تهران.
 ۲۲. مهریار، محمد و احمد کبیری (۱۳۸۳)، ادامه کنکاش‌ها در معبد آناهیتا کنگاور، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
 ۲۳. میخائیلوویچ دیاکونوف، میخائیل (۱۳۵۱)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران.
 ۲۴. میخائیلوویچ دیاکونوف، میخائیل (۱۳۸۳)، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 ۲۵. میرلطیفی، سیدجلال (۱۳۸۵)، آشنایی با معماری ایران: شیوه پارتی و پارسی و سازه‌های طاقی، انتشارات قاضی، تهران.
 ۲۶. واندنبرگ، لوئی (۱۳۴۵)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، دانشگاه تهران، تهران.
 ۲۷. هرتسفلد، ا (۱۳۵۴)، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت، انجمن آثار ملی، تهران.
 ۲۸. هرمان، ج (۱۳۷۳)، تجدید حیات هنر ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 ۲۹. هوار، کلمان (۱۳۶۳)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران.
 ۳۰. یاوروی، حسین (۱۳۸۸)، سیری در هنر و معماری ایران، انتشارات سیمای دانش، تهران.